

شرط لازم و کافی برای جذب سرمایه



عاطفه خسروی مدیرمسئول

در یک تعریف عمومی سرمایه‌گذاری عبارت است از «وارد کردن پول و سرمایه نقدی به یک بازار و خرید محصولات آن بازار برای کسب سود و افزایش سرمایه اولیه». نکته قابل توجه در این تعریف، اهمیت کسب سود حاصل از سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار است. از آنجایی که سرمایه‌گذاری با هدف کسب سود بیشتر در آینده انجام می‌شود، همیشه با سطح خاصی از ریسک همراه است و سرمایه‌گذار از ریسک‌فراری است. بنابراین پیش‌نیاز ورود سرمایه، امنیت سرمایه‌گذاری و کاهش ریسک به حداقل است.

شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید» به‌عنوان شعار سال ۱۴۰۴ نیز، نشان‌دهنده اولویت حیاتی رشد تولید برای اقتصاد کشور است که همواره نه‌تنها از دغدغه‌های دولت بلکه از مهم‌ترین مشکلات هر ساله فعالان اقتصادی نیز بوده است.

فعالان اقتصادی معتقدند برای تحقق افزایش سرمایه‌گذاری برای تولید توجه به راهکارهای پنج‌گانه زیر ضروری است:

- کاهش مذاخلات قیمت‌گذاری یا استفاده از رویکردهای خلافت‌مانند قیمت‌گذاری بلوکی در بخش‌های با بهره‌ی پایین اما دارای تقاضای بالا مانند بخش انرژی
- اجرای طرح‌های تسهیم منافع ناشی از سرمایه‌گذاری در بخش‌های دچار ناترازی عرضه و تقاضا از طریق فعال‌سازی ظرفیت‌های قانونی موجود در برنامه هفتم (مانند ماده ۱۱۱)
- تمرکز بر فعال‌سازی سرمایه‌های راکد از طریق اجرای طرح مولدسازی دارایی‌ها و تخصیص اعتبار برای اتمام و بهره‌برداری از طرح‌ها عمرانی با پیشرفت بالای ۸۰ درصد
- استفاده از بسترهای تامین مالی جمعی به‌منظور فعال‌سازی خرده‌سرمایه‌های مردمی در بخش مولد اقتصاد با ارائه تضامین لازم برای حفظ ارزش دارایی‌ها و ایجاد اعتماد عمومی
- تنظیم قواعد مبتنی بر رقابت، شفافیت و شایستگی برای بهره‌برداری از سرمایه‌های موجود (مانند زمین و تجهیزات موجود در بخش عمومی) و بهبود و اصلاح قواعد تنظیم‌گری و توسعه ابزارهای نوین برای بازار سهام

اما رعایت الزامات یادشده و تحقق شعار سال نیازمند بستریابی است که اصلاح نظام بانکی و مالی در صدر این فهرست قرار می‌گیرد. کاهش نرخ سود تسهیلات تولیدی، اعطای وام‌های بلندمدت با دوره تنفس مناسب، حذف بروکراسی‌های پیچیده بانکی و هدایت منابع بانکی به‌سمت طرح‌های تولیدی، می‌تواند زمینه را برای حضور سرمایه‌گذاران در بخش تولید فراهم سازد. همچنین توسعه ابزارهای تامین مالی مانند صکوک، اوراق مشارکت و صندوق‌های سرمایه‌گذاری، می‌تواند منابع مالی بیشتری را به‌سمت تولید هدایت کند.

ایجاد مشوق مالیاتی از دیگر بستریابی‌های این مسیر است که با اعطای معافیت‌های مالیاتی، وضع مالیات بر سودآوری و فعالیت‌های غیرمولد و بخش‌هایی جرایم مالیاتی واحدهای تولیدی قابل تحقق است.

از سوی دیگر، پیشرفت اقتصادی برپایه سرمایه‌گذاری داخلی و تقویت تولید ملی، راهبردی است که بسیاری از کشورهای در دوره‌های مختلف تاریخی به آن روی آورده‌اند. در بررسی کارنامه کشورهای توسعه‌یافته در شاخص رشد اقتصادی می‌توان به الگوهای موفق مانند ژاپن، چین، سنگاپور و مالزی اشاره کرد. به‌عنوان نمونه ژاپن پس از جنگ جهانی دوم با سیاست‌های ویران‌شده و بهره‌وری بود. این کشور با تکیه بر پس‌اندازهای داخلی، سیاست جایگزینی واردات و سپس توسعه صادرات را پیش گرفت. دولت ژاپن با ایجاد وزارت تجارت بین‌الملل و صنعت (MITI)، نقش راهبردی کلان‌دیده در اقتصاد ایفا و منابع مالی داخلی را به‌سمت صنایع جدید هدایت کرد. نرخ پس‌انداز خانوارهای ژاپنی در دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۸۰ به‌طور میانگین بیش از ۲۰ درصد درآمد بود که یکی از بالاترین نرخ‌های پس‌انداز در جهان محسوب می‌شد. این پس‌اندازها از طریق سیستم بانکی به شرکت‌های تولیدی وام داده می‌شد. نتیجه این رویکرد، رشد اقتصادی خیره‌کننده ژاپن (حدود ۱۰ درصد سالانه در دهه ۱۹۶۰) و تبدیل شدن آن به دومین اقتصاد بزرگ جهان تا اوایل قرن ۲۱ بود. چین هم پس از سال ۱۹۷۸ با آغاز اصلاحات اقتصادی، مسیر توسعه را با تکیه بر پس‌اندازهای داخلی و سرمایه‌گذاری در تولید آغاز کرد. نتیجه این رویکرد، رشد اقتصادی متوسط حدود ۱۰ درصد در طول ۴ دهه و تبدیل شدن چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان بوده است.

دولت سنگاپور نیز با ایجاد صندوق ذخیره مرکزی (CPF) که نوعی طرح پس‌انداز است، منابع مالی داخلی قابل توجهی را برای سرمایه‌گذاری جمع‌آوری کرد. این منابع در کنار منابع شرکت‌های سرمایه‌گذاری دولتی مانند تاسماک و GIC، به بخش‌های راهبردی اقتصاد هدایت شدند. همچنین تسهیلات بانکی به سرمایه‌گذاری گسترده در آموزش و زیرساخت‌ها، محیطی مساعد برای تولید با فناوری بالا و خدمات پیشرفته ایجاد کرد. نتیجه این سیاست‌ها، تبدیل شدن به یکی از کشورهای بالاترین درآمد سرانه در جهان بوده است.

مالزی از دیگر کشورهایی است که بر تنوع بخش اقتصادی با تکیه بر منابع داخلی تأکید کرد و از دهه ۱۹۸۰ با هدف تبدیل شدن به یک کشور توسعه‌یافته تا سال ۲۰۲۰، سیاست‌های توسعه صنعتی و بخش‌های اقتصادی را در پیش گرفت. این کشور با ترکیبی از سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی داخلی، توانست از وابستگی به صادرات مواد خام فاصله بگیرد و با ایجاد صندوق‌های توسعه صنعتی، بانک‌های توسعه‌ای و طرح‌های مشارکت عمومی - خصوصی، منابع مالی داخلی را به‌سمت صنایع تولیدی هدایت کند. نتیجه این رویکرد، رشد اقتصادی پایدار (میانگین ۶ تا ۷ درصد در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰) و تبدیل شدن مالزی به یکی از اقتصادهای پیشرو در جنوب شرق آسیا بوده است.

در بررسی تجربه کشورهای موفق در زمینه پیشرفت اقتصادی با تکیه بر سرمایه‌های داخلی، درس‌های ارزشمندی از جمله نقش راهبردی دولت در هدایت سرمایه‌ها، تشویق پس‌انداز داخلی، اولویت‌بندی صنایع راهبردی و تأکید بر توسعه صادرات، راه‌های مهم‌تر است. علاوه بر موارد یادشده، آموزش تخصصی جذب سرمایه و سرمایه‌گذاری، شرط لازم برای تحقق «رشد اقتصادی» است اما قطعاً شرط کافی نیست.

بدون شک یکی از مهم‌ترین عوامل در رشد اقتصادی کشورها که موجب تسهیل حرکت جریان‌سایر ایده‌ها و خلاقیت‌ها می‌شود، توانایی یک کشور در برقراری ارتباط موثر با سایر کشورها و افزایش حجم مبادلات تجاری است. اینجاست که باز به اهمیت توسعه ارتباطات خارجی و تلاش برای رفع تحریم‌ها می‌رسیم که امید است امسال با باقی‌های روشن‌تری در این حوزه مواجه شویم.

ماموریت سخت

دولت، زمینه‌سازی و برداشتن موانع تولید و کار مردم، وارد کردن سرمایه‌های خرد و کلان خود در راه تولید است که در این صورت سرمایه‌ها دیگر به‌سمت امور مضر همچون ارز و طلا نخواهد رفت و در این زمینه بانک مرکزی و دولت نقش موثری دارند. رهبر معظم انقلاب با این مقدمه، شعار سال ۱۴۰۴ را «سرمایه‌گذاری برای تولید» خواندند و ابراز امیدواری کردند با برنامه‌ریزی دولت و مشارکت مردم، گشایشی در امر معیشت ایجاد شود. امسال، رهبر معظم انقلاب اسلامی با اتخاذ رویکردی آینده‌نگرانه، شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید داخلی» را به‌عنوان محور اساسی سیاست‌های اقتصادی کشور تعیین کردند. این گزاره، فراتر از یک دستورالعمل مقطعی، نه‌تنها دلالت بر تغییر چارچوب فکری در الگوهای تخصیص سرمایه از سفته‌بازی در بازارهای غیرمولد به‌سمت توسعه بخش تولید دارد، بلکه نقشه‌راهی برای اصلاح ساختار اقتصادی کشور و آغاز یک مسیر بلندمدت در راستای خودکفایی و

رهبر معظم انقلاب در بخشی از پیام نوروزی، با اشاره به نام‌گذاری سال ۱۴۰۳ به «جهش تولید با مشارکت مردم»، حوادث سال قبل را با وجود تلاش‌های دولت، مردم و بخش خصوصی مانع از تحقق کامل این شعار خواندند و افزودند: بنابراین امسال شعار و مسئله اصلی همچنان اقتصادی و ناظر به مسئله سرمایه‌گذاری است، چراکه جهش تولید و برطرف کردن مشکلات معیشتی در گرو تحقق سرمایه‌گذاری در تولید است. ایشان با تأکید بر نقش زمینه‌ساز دولت برای سرمایه‌گذاری مردم در بخش تولید گفتند: البته در جایی که مردم انگیزه یا توان سرمایه‌گذاری ندارند، دولت می‌تواند به‌عنوان جایگزین و نه رقیب مردم، وارد میدان شود و سرمایه‌گذاری کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای لازمه تحقق سرمایه‌گذاری در تولید را ایجاد عزم و انگیزه جدی در دولت و مردم دانستند و گفتند: کار

نعمت‌زاده مشاور ارشد اتابک شد

اتابک وزیر صمت، در حکمی محمدرضا نعمت‌زاده را دوباره به‌عنوان مشاور عالی خود منصوب کرد. محمدرضا اتابک، وزیر صمت دولت چهاردهم، طی حکمی «محمدرضا نعمت‌زاده» وزیر اسبق صمت را به‌سمت «مشاور عالی وزیر در ناترازی‌های انرژی» منصوب کرد.

نعمت‌زاده در دولت‌های اول، پنجم، ششم و یازدهم جمهوری اسلامی، به‌عنوان وزیر صنعت مشغول به فعالیت بوده است. این انتصاب که بهمن سال گذشته اتفاق افتاده، اینک رسانه‌ای شده است.

در متن حکم نعمت‌زاده چنین آمده است: «نظر به تعهد، تخصص، شایستگی و سوابق ارزشمند جنابعالی، به‌موجب این حکم به‌سمت «مشاور عالی وزیر در امور ناترازی انرژی» منصوب می‌شوید. انتظار می‌رود با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود و استفاده از دانش و توان نیروهای متخصص و فعال در بخش‌های مختلف دولتی و خصوصی، اهتمام لازم را در جهت جبران عقب‌ماندگی کشور در زمینه تامین انرژی موردنیاز تمامی بخش‌ها و رفع ناترازی‌ها و دستیابی به اهداف برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی ایران به‌عمل آورید. توفیق روزافزون شما در خدمت به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران را در ظل توجهات حضرت ولی‌عصر (عج) از خداوند حکیم مسألت می‌نمایم.»



موانع موجود در مسیر سرمایه‌گذاری برای تولید»



تأکید بر مسائل اقتصادی در قالب شعار سال فرصت خوبی برای تمرین اجماع عملیاتی حول یک مسئله و دوری از ایده‌آل‌گرایی و صحبت از آرزوهای نامحدود و گاه بدون پشتوانه منابع و الزامات در اسناد بالادستی و قوانین برنامه و بودجه‌است کنونی و... است. این آسیب در کشور به‌مدتی است که گاهی حرف‌های کلی و تکراری در عمده مباحث با عوض کردن عنوان در مباحث مختلف استفاده شده و می‌شوند. اما ایراد اصلی این نیست، بلکه ایراد اصلی ممانعت از انجام کاری توسط سازکارهای خارج از فناوری‌های کارگروه‌ها، ستادها و شوراهای خروج از تعادل‌های موجود و تحول در

سرمایه‌گذاری و رشد

سرمایه‌گذاری در تولید نقش محوری در رشد و توسعه اقتصادی ایفا می‌کند؛ به‌طوری که با افزایش ظرفیت‌های تولیدی و بهره‌وری، زمینه را برای رشد اقتصادی فراهم می‌سازد. این فرآیند نه‌تنها از طریق ایجاد اشتغال و بهبود درآمد خانوارها به رونق بازار کار کمک می‌کند، بلکه با توسعه فناوری و نوآوری، رقابت‌پذیری صنایع را ارتقا می‌دهد. همچنین، سرمایه‌گذاری در تولید با کاهش وابستگی به واردات، تقویت صادرات و آزرآوری، اقتصاد را مقاوم‌تر می‌سازد. علاوه بر این، تحریک سایر بخش‌های اقتصادی و توسعه زیرساخت‌های ملی و منطقه‌ای از دیگر پیامدهای مثبت آن است که در نهایت به افزایش تولید ناخالص داخلی و ارتقای سطح رفاه و کیفیت زندگی مردم منجر می‌شود. از سوی دیگر، تامین مالی و سرمایه‌گذاری نه‌تنها شرط لازم برای حیات فعالیت‌های اقتصادی است، بلکه ارتباط نزدیک و دوطرفه‌ای با رشد اقتصادی دارد.

بدون وجود یک نظام مالی مناسب و کارآ با طیف گسترده‌ای از خدمات مالی، امکان رشد اقتصادی بالا وجود ندارد. بنابراین جریان عادی فعالیت‌های اقتصادی نیز نیازمند تامین مالی است. بنابراین، جذب سرمایه‌گذاری در این بخش، همواره باید از محوری‌ترین امور اجرایی حکمرانی اقتصادی کشور باشد. اهمیت این موضوع علاوه بر موارد فوق آن است که اگر سرمایه‌گذاری و تامین مالی که منجر به رشد اقتصادی می‌شود را نتوانیم سامان دهیم، بخش اعظمی از سرمایه انسانی با کیفیت را هم از دست خواهیم داد، نقطه قوت ما به نقطه ضعف تبدیل شده و با افت شدید ۲ مولفه اصلی رشد اقتصادی، پیشرفت کشور بسیار سخت خواهد شد.

ناترازی انرژی و چالش عرضه پایدار انرژی تولید

به‌منظر می‌رسد مهم‌ترین دغدغه تولیدکنندگان فعلی که در شرایط فعلی و با وجود مشکلات فراوان حاضر به سرمایه‌گذاری در تولید شده‌اند، همین موضوع ناترازی انرژی است. در سال ۱۴۰۳ دولت هم بارها به این دلیل تعطیل شد که پدیده بسیار منفی و مخربی در حکمرانی اقتصادی است و حتی در بحران کرونا و... هم کمتر شاهد آن بودیم. بنابراین از این نقطه ورود باتوجه به اینکه بالاترین ذخایر انرژی در دنیا داریم، دولت باید قبل از رسیدن بیک‌های مصرف، برنامه خود را اعلام و عملیاتی کند تا ضمن حفظ سرمایه‌های موجود، انگیزه سرمایه‌گذاران منتظر تخریب نشود و در کنار سایر اقدامات اصلاحی، مقدمات ورود سرمایه‌گذاری جدید هم فراهم شود.

چالش‌ها و راهکارهای پیش‌رو

در بحث موانع سرمایه‌گذاری، مهم‌ترین مانع، کسری بودجه است که به تعبیر رهبر معظم انقلاب، ام‌الخبائث است. پس از آن می‌توان به مسائلی نظیر ناترازی انرژی، ناترازی نظام بانکی، خلأ نهاد توسعه‌ای، اصلاح نظام مالیاتی و مسئله تامین مالی اشاره کرد. ناترازی انرژی از این‌رو مهم است که انگیزه سرمایه‌گذار را برای سرمایه‌گذاری در تولیدی که انرژی‌اش قابل تامین نیست و چشم‌انداز خوبی ندارد، به‌شدت پایین می‌آورد. بنابراین باید با روش‌های قیمتی و غیرقیمتی سمت عرضه و تقاضا، این مسئله را به‌سرعت حل کنیم. در ادامه به هر یک از موانع و چالش‌ها اشاره شده است. کسری بودجه، ام‌الخبائث مشکلات اقتصادی و از جمله سرمایه‌گذاری است. کسری بودجه آشکار و پنهان دولت از ۳ مسیر اصلی، سرمایه‌گذاری در تولید را محتمل می‌کند: اول با تامین مالی تورمی از طریق استقراض مستقیم یا غیرمستقیم از بانک مرکزی و رشد پایه پولی منجر به افزایش تورم و در نتیجه نااطمینانی سرمایه‌گذاری‌شده و نیاز به نقدینگی برای تولید را به‌طور جدی افزایش خواهد داد. دوم باتوجه به سلطه مالی دولت بر بخش مالی اقتصاد به‌ویژه نظام بانکی و بانک مرکزی، عمده کسری پنهان را افزایش سقف فروش اوراق طی سال و اجبار نظام بانکی بر خرید این

نظامات اجرایی است. به‌عنوان جدی‌ترین و اصلی‌ترین تحول ساختاری باید به‌شدت از انجام و اجرای چنین مواردی جلوگیری کرد و تمام موارد بین‌بخشی با تعریف دقیق وظایف و اختیارات و مسئولیت‌های دستگاه‌های اجرایی با سازگار کنترل و پیگیری عملیاتی تعریف شود. در غیر این صورت برای تسهیم ریسک و... وظایف و مسئولیت‌های کلی و مبهم در این کارگروه‌ها و شوراهای تعریف خواهد شد که هیچ‌وقت انجام نشده و نمی‌شوند و از ابتدا هم قرار بر انجام آنها نیست. در خوش‌بینانه‌ترین حالت همین وظایف جاری و ناکارای دستگاه‌ها با جمله‌سازی‌های جدیدی به‌عنوان برنامه تحقق شعار سال اعلام می‌شود. حسن چنارانی، اقتصاددان و عضو

اوراق برای پوشش هزینه‌های دولت تشکیل داده، بخش عمده منابع قابل سرمایه‌گذاری را سا قدرت انحصاری خود از مسیر تولید خارج می‌کند و حتی سرمایه در گردش تولید موجود هم دست‌نیافتنی می‌شود. به‌طورمثال این عدد برای سال ۱۴۰۳ بیش از ۲۵۰ همت (هزار میلیارد تومان) بوده، در حالی که اوراق دولتی مصوب بودجه کمتر از ۲۵۴ همت بوده است. به‌نظر نگارنده، مهم‌ترین مانع سرمایه‌گذاری در امسال این موضوع است که باتوجه به کسری شدید بودجه ۱۴۰۴ که در مرحله تدوین و تصویب لایحه باوجود هشدارها جدی گرفته نشد، این مسئله باید در اجرای بودجه اصلاح شود و گرنه همچون پاییز ۱۴۰۳ و همچنین دهه ۱۳۹۰، نرخ تشکیل سرمایه منفی خواهد بود.

سوم عمده فشار اوراق به بانک‌های دولتی یا شبه‌دولتی تحت‌سلطه دولت وارد می‌شود. بنابراین از مسیر افزایش اضافه‌برداشت بانک‌ها و افزایش ناترازی و تنگنای مالی تسهیلات و سرمایه‌گذاری در تولید به آخرین اولویت نظام بانکی تبدیل می‌شود و باتوجه به اینکه ۹۲ درصد از تامین مالی اقتصاد ایران طبق آخرین اظهارنظر رئیس کل بانک مرکزی بر دوش شبکه بانکی است و تنها ۷ درصد توسط بازار سرمایه و یک درصد توسط سایر منابع تامین می‌شود، شوک بزرگی به همین وضعیت نحیف سرمایه‌گذاری در تولید وارد می‌شود. مهم‌ترین اقدام این حوزه، شروع جدی و اجماع روی شروع عملیات بسته اصلاح ساختاری بودجه با اولویت شفافیت و پاسخگویی بودجه در تمام فرآیندهای تهیه، تصویب و اجرای بودجه و پیاده‌سازی نظارت عملیاتی توسط ذی‌نفعان اصلی بودجه یعنی مردم است.

معضلات ناترازی نظام بانکی

باتوجه به عدم‌چاره‌اندیشی و اخذ تصمیم جدی درباره بانک‌های ناترازی و ناسالم با وجود زیرساخت‌های قانونی مناسب از جمله اختیارات شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا و قانون جدید بانک مرکزی، نیاز است مطابق تأکیدات مستمر رهبر معظم انقلاب از سال ۱۳۹۷ کارگروه مذکور تشکیل شده و با محوریتی غیر از بانک مرکزی فعلی به‌سرعت در این زمینه تعیین تکلیف شود؛ چراکه بخش عمده‌ای از منابع موجود دولتی و بانکی کشور صرف رفتارهای پولی و پرخطر این بانک‌ها می‌شود. حتی منابع پایه پولی در این شرایط تنگنای مالی می‌تواند به کمک تولید و توسعه زیرساخت‌های کشور بیاید، اما اکنون صرف اضافه‌برداشت بانک‌ها شده است.

اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی

مهمترین باید به نبود بانک‌های توسعه‌ای هم توجه کرد و در این مسیر، اصلاح ساختار صندوق توسعه ملی از ضروریات است. به‌دلیل نبود نهاد توسعه و سیاست صنعتی و توسعه‌ای مشخص و تناقض در سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی معمولاً یا این سیاست‌ها یکدیگر را خنثی می‌کنند یا اوضاع وخیم‌تر می‌شود. همین مسائل قطعی مکرر انرژی و... همه ناشی از نبود

هیات‌علمی دانشگاه خوارزمی، در یادداشتی مهم‌ترین موانع موجود در مسیر «سرمایه‌گذاری برای تولید» را بررسی کرده است. به‌گفته این کارشناس اقتصادی، یک جایگزین ساده، عملیاتی و بسیار تأثیرگذار برای جلوگیری از آسیب‌های این چنینی، آن است که به‌سرعت چند شاخص مهم و عملیاتی مرتبط با موضوع سرمایه‌گذاری تولید، به‌جای حرف‌های کلی، تکراری و بسته‌های مرسوم تعریف شده و برای اسفند ۱۴۰۳ قیمت این شاخص‌ها اعلام شود. بعد از بیان، جمع‌بندی و اجماع سطح بهینه قابل‌دسترس (نه آرزوهای غیرمنطقی) مصادیق عملی رسیدن به سطح مطلوب تا پایان سال برنامه، نیز دیده شود و تقسیم کاری که گفته شد، به‌صورت دقیق و دستگاه‌محور اعلام شده و تمام اقدامات دولت و دستگاه‌ها هم با این شاخص‌ها تنظیم شود.

هماهنگی نهادی در این زمینه است. این تناقض‌ها در کنار فقدان سیاست توسعه‌ای منطقه‌ای منجر به نهایی شدن مصادیق توسعه در چانه‌زنی‌های سیاسی، بخشی، محلی و... شده است. بنابراین بیش از هر زمانی نیاز است سازکاری (غیر از ساختارسازی جدید) این خلأ نهادی را برطرف کرده و این موارد را با هم هماهنگ کند، چراکه جدی‌ترین نهاد مدعی توسعه در کشور درگیر جاری‌ترین امورات کشور است که خود از موانع جدی توسعه شده است. این انباشت چالش‌ها تنها نهاد تامین مالی کشور را تبدیل به پوشش سازکار معیوب بودجه‌ریزی در کشور و منابع آن را صرف هر کاری غیر از توسعه کرده است. بنابراین در صورت ادامه روند فعلی، بهترین کار تعطیلی آن یا در صورت امکان ایستادن بر سر این قاعده است که امسال علاوه بر آن ۲۰ درصدی که از ابتدا از صندوق برداشت شده، هیچ امکان برداشت مجددی وجود ندارد و دولت باید با منابع موجود خود، هزینه‌هایش را مدیریت کند تا اندک امید بخش غیردولتی برای سرمایه‌گذاری برگردد. در کنار این موضوع، طبق قانون برنامه هفتم، دولت باید بانک توسعه را با استفاده از ظرفیت‌های موجود نظام بانکی راه‌اندازی کند که این خود مستلزم تعیین تکلیف موارد فوق است.

اصلاحات مالیاتی

در حال حاضر بیش از هر زمانی نیاز به تسریع و تکمیل اصلاحات نظام مالیاتی است. البته این حوزه در سیاست‌گذاری‌های کلان سالیان اخیر رو به جلو بوده، اما در مرحله اجرا نیاز به سرعت و دقت بیشتری است. ۲ قسمت عمده در نظام مالیاتی در کنار زیرساخت‌های فنی هنوز عملیاتی نشده که منجر به کژکارکردی و بی‌عدالتی‌های مالیاتی و فشار به تولید شده است. اول موضوع مالیات بر مجموع درآمد که در سال ۱۴۰۲ در قالب همین قانون مالیات‌های مستقیم اصلاح و در دولت مصوب و به مجلس ارسال شد، اما متأسفانه تاکنون اتفاقی نیفتاده است و باید تسریع شود. دوم بحث مالیات بر عایدی سرمایه و زیرساخت‌های مرتبط به آن است که خوشبختانه طرح آن در مجلس در مراحل نهایی است و باید اجماعی برای همراهی و تسریع در نهایی کردن آن بین مجلس، دولت و شورای نگهبان قرار گیرد و در همین ماه‌های ابتدایی دولت و سازمان مالیاتی گام‌های اجرایی آن را در دستور قرار دهند.

سخن پایانی

تمام پیشنهادات اجرایی کشور باید با برنامه تامین مالی و سرمایه‌گذاری هم‌راستا شده و به تفکیک نهادی تامین‌کننده (بازار پول، بازار سرمایه و تامین مالی خارجی) و سهم هرکدام از این بازارها مشخص شود. از این‌رو نیاز است اصلاحات ساختاری گفته‌شده در بازارهای مالی به‌ویژه نظام پولی و بانکی انجام شود. ابزارهای متعددی برای تامین مالی در بازارهای پول، سرمایه و تامین مالی خارجی (ابزارهای مربوط به بازار پول شامل: تسهیلات پرداختی شبکه بانکی، تامین مالی از طریق فروش اوراق مشارکت، تامین مالی زنجیره‌ای نظیر اوراق گام، بسات الکترونیک، فاکتورینگ و اعتبار اسنادی داخلی، روش‌های تامین مالی مبتنی بر بازار سرمایه شامل عرضه اولیه سهام شرکت‌ها، عرضه اولیه سهام شرکت پروژه سهامی عام، عرضه اوراق بدهی شرکتی، تامین مالی شرکت‌ها از منابع داخلی و ابزارهای مالی خارجی شامل فاینانس، فاینانس خودگردان، اعتبارات اسنادی یونانس، ریفاینانس، وام‌ها، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و بعب متقابل در حوزه نفت و گاز) و مولدسازی از مهم‌ترین روش‌ها هستند که بسته به حوزه و بخش مربوطه با اولویت «تمرکز بر صنایع با ارزش‌افزوده بالا و فناوری پیشرفته، دارای پیوند قوی با سایر بخش‌ها»، «توسعه صنایع صادرات‌محور» و «استفاده از مزیت‌های نسبی» باید دقیق و نهایی شود.